

Russia's Strategy Amid Rising Tensions Between Iran and the Zionist Regime: Short-, Medium-, and Long-Term Perspectives

Hossein Fattahi Ardakani

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.

Email: h-fattahi@ardakan.ac.ir

 0000-0002-8203-7960

Abstract

The recent military confrontations between the Zionist regime and the Islamic Republic of Iran have significantly reshaped the strategic and geopolitical landscape of the Middle East. These developments have not only brought the longstanding rivalry between Tehran and Tel Aviv into the open but have also become a decisive factor in shaping future regional security dynamics. In this evolving environment, Russia—a regional power with complex, quasi-strategic relations with both Israel and Iran—is reassessing its strategic positioning to safeguard its interests and expand its influence. This study, grounded in the neorealist theory of the balance of power, explores Russia's strategic approach in response to the escalation of tensions between Iran and the Zionist regime. The findings indicate that Moscow continues to employ a traditional dual-track strategy of "strategic patience" and "regional balancing." In the short term, Russia seeks to contain the conflict to preserve regional stability and protect its economic interests. In the medium term, it aims to expand its influence while avoiding deep entanglements. In the long term, Russia aspires to diminish U.S. influence in the region, positioning itself as a key geopolitical player. Given the strategic implications of this triangular relationship, the findings of this research are of particular relevance to regional policymakers and analysts seeking to recalibrate their national security and foreign policy strategies in light of evolving power dynamics.

Keywords: Russia, Iran, Zionist regime, Balance of power, Middle East.

E-ISSN: 2588-6525 / Center for Strategic Research / The Scientific Journal of Strategy

Journal of "The Scientific Journal of Strategy" © 11 years by [Center for Strategic research](#) is licensed under [CC BY 4.0](#)



 10.22034/rahbord.2024.474570.1716



راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت)

حسین فتاحی اردکانی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
Email: h-fattahi@ardakan.ac.ir

 0000-0002-8203-7960

چکیده

تجاوزهای اخیر رژیم صهیونیستی و پاسخ ایران، چشم‌انداز ژئوپلیتیک و استراتژیک خاورمیانه و آینده تحولات آن را به شدت تغییر داده است. اکنون واضح است که تحولات اخیر و رقابت پیچیده و سرسختانه ایران و رژیم صهیونیستی ترتیبات امنیت منطقه را در آینده شکل خواهد داد و راهبرد کشورهای منطقه را روشن خواهد نمود. این تحولات تنش‌های طولانی مدت ایران و رژیم صهیونیستی را از سایه بیرون کشیده است. در این میان روسیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که روابط گسترده و شبه راهبردی با رژیم صهیونیستی داشته و از شرکای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ایران محسوب می‌شود، به دنبال بازنگری در راهبرد و نقش آینده خود برای حفظ منافع راهبردی و نفوذ بیشتر خود در منطقه است. پژوهش حاضر با کاربست نظریه «تو واقع‌گرایی»^۱ «موازنه قوا» به دنبال پاسخ به این پرسش است که راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که روسیه بر اساس راهبرد سنتی خود به دنبال سیاست «صبر و انتظار» و «تعادل» در راهبرد منطقه‌ای خود است. نتیجه این راهبرد برای روسیه در کوتاه مدت جلوگیری از گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی و حفظ ثبات و مزایای اقتصادی، در میان مدت نفوذ بیشتر و تعهد کمتر در خاورمیانه و در بلند مدت تضعیف حضور ایالات متحده در منطقه است. با توجه به اهمیت درک پویای منطقه‌ای، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در به‌روزرسانی سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای برای تأمین حداکثری منافع و امنیت ملی راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: روسیه، ایران، رژیم صهیونیستی، موازنه قوا، خاورمیانه.

شاپای الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد

CC BY 4.0



10.22034/rahbord.2024.474570.1716

مقدمه و بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ حادثه‌ای بود که نه تنها خاورمیانه بلکه جهان را با تغییرات و چشم‌انداز جدیدی در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مواجه ساخت. شکست سیاست «دو ستونی نیکسون»^۱ و انحلال «پیمان منطقه‌ای سنتو»^۲ از پیامدهای مهم پیروزی انقلاب در خاورمیانه بود که چشم‌انداز نامطلوبی را برای متحدان ایران قبل از انقلاب به‌خصوص رژیم صهیونیستی ترسیم کرده بود. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و رژیم صهیونیستی بر مبنای مشارکت و همکاری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی با تأیید و همراهی غرب استوار بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به نظرات رهبر انقلاب اسلامی پیرامون اهداف و موجودیت رژیم صهیونیستی و خطر آن برای خاورمیانه و جهان اسلام، روابط خصومت‌آمیز طرفین آشکار و به‌سرعت به تنش تبدیل شد. بر این اساس، دولت انقلابی شناسایی دوفاکتوی رژیم پهلوی از اسرائیل را پس گرفته و روابط خود با این کشور را بر مبنای حذف و عدم مصالحه سامان داد (سیمر و قربانی، ۱۳۹۲: ۸۸).

با حمایت ایران از مبارزان فلسطینی و کمک به آن‌ها برای پایان دادن به اشغالگری صهیونیسم، روابط تنش‌آلود دو طرف روز به روز گسترده‌تر شد. امام خمینی^(ره) رژیم صهیونیستی را اشغالگر و غده سرطانی نامید که باید از میان برداشته شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۳۷). از سوی دیگر تنش‌های میان ایران و رژیم صهیونیستی بر اتخاذ راهبرد دیگر شرکای منطقه‌ای دو طرف از جمله روسیه تأثیرگذار بوده است. روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی همواره تحت تأثیر تحولات منطقه خاورمیانه و تنش‌های ایران و رژیم صهیونیستی بوده است. حوادث مهمی مانند جنگ اوکراین که باعث شده روسیه تمرکز خود را بر روی منطقه تا حدی از دست بدهد، تجاوز رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه و پاسخ نظامی مستقیم ایران به رژیم صهیونیستی و ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در تهران، باعث شد تا راهبرد روسیه در منطقه مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. در این شرایط که ایران و رژیم صهیونیستی برای اولین بار در آستانه یک رویارویی مستقیم نظامی قرار گرفته‌اند، روس‌ها نگران افزایش تنش‌ها و گسترش دامنه آن و احتمال ورود آمریکا و نیروهای نیابتی مورد حمایت ایران به این درگیری هستند و این موضوع با راهبرد سنتی آن‌ها در خاورمیانه که مخالف هرگونه تنش و دخالت بیشتر غرب و آمریکا در

1. Richard Milhous Nixon

2. Central Treaty Organization

منطقه هستند در تضاد است. بر این اساس سؤال پژوهش حاضر این است که راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این کشور در رابطه با تشدید تنش میان ایران و رژیم صهیونیستی سیاست «صبر و انتظار» و «تعالی» را در پیش گرفته است. بر این اساس روسیه هر چند مخالف هرگونه تشدید تنش و شروع یک جنگ تمام‌عیار میان ایران و رژیم صهیونیستی است؛ اما از سوی دیگر سطح کنترل شده‌ای از این تنش برای این کشور دارای مزایایی از جمله نشان دادن آمریکا و غرب به‌عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی در منطقه، انحراف توجهات جامعه جهانی از جنگ اوکراین و افزایش نفوذ و وزن ژئوپلیتیکی^۱ روسیه در تنظیم روابط و ترتیبات امنیت منطقه‌ای است. نتیجه این راهبرد برای روسیه در کوتاه مدت، جلوگیری از گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی و حفظ ثبات و مزایای اقتصادی، در میان مدت نفوذ بیشتر و تعهد کمتر در خاورمیانه و در بلند مدت تضعیف حضور ایالات متحده در منطقه است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه در دهه‌های اخیر روس‌ها به خوبی درک کرده‌اند که از مناقشات و بحران‌های خاورمیانه برای خود منافع دور و نزدیک تعریف کنند.

۱. پیشینه پژوهش

گل‌محمدی و آرم (۱۴۰۲) در مقاله «منطقه‌ای شدن مداخله قدرت‌های بزرگ و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه» معتقدند با توجه به منطقه‌ای شدن مداخلات قدرت‌های بزرگ، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به‌طور فزاینده‌ای منطقه‌ای شده و فرصت‌ها و تهدیدات متنوعی را در موضوعات تروریسم، انرژی، فروش تسلیحات و روابط خارجی با دولت‌های منطقه در اختیار رهبران عمل‌گرای روسیه گذاشته است (گل‌محمدی و آرم، ۱۴۰۲: ۳۹۳-۳۶۷).

جعفری و شفقت‌نیا آباد (۱۴۰۱) در مقاله «عوامل مؤثر بر تصمیم‌سازی روسیه نسبت به اسرائیل» با اذعان به سطح راهبردی روابط روسیه و رژیم صهیونیستی معتقدند که این روابط راهبردی محصول اتخاذ عناصری در فرایندهای تصمیم‌سازی روسیه بوده که در سطوح خرد و کلان نتایج متفاوتی را از تأثیرگذاری‌های ظاهری تا مشارکت‌های راهبردی برای روسیه داشته است (جعفری و شفقت‌نیا آباد، ۱۴۰۱: ۵۱).

توکلی و محمود اوغلی (۱۴۰۱) در مقاله «مؤلفه‌های تهدیدکننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه» با اشاره به روابط پرفراز و نشیب دو کشور در دهه‌های گذشته، معتقدند که نگاه متفاوت دو کشور به روابط، رژیم حقوقی دریای خزر، جست‌وجوی بازارهای جدید برای انرژی، روابط روسیه با آمریکا و اسرائیل، نوع نگاه به بحران سوریه، پیگیری منافع در دوران پسا بحران سوریه از جمله مؤلفه‌هایی هستند که همکاری راهبردی ایران و روسیه را تهدید می‌نمایند (توکلی و اوغلی، ۱۴۰۱: ۱۲۸).

شفقت‌نیا آباد و جعفری (۱۳۹۹) در مقاله «راهبرد و الگوی رفتاری روسیه در تقابل ایران و رژیم صهیونیستی» معتقدند: درحالی که روابط ایران و روسیه بر همکاری‌های مشترک استوار است، پیوندهای تاریخی میان روسیه و رژیم صهیونیستی روابط آن‌ها را به سطح راهبردی ارتقا داده است. بر این اساس، روسیه سعی می‌کند الگوی رفتاری توازن قوا را برای همکاری با ایران و رژیم صهیونیستی اتخاذ نماید (شفقت‌نیا آباد و جعفری، ۱۳۹۹: ۵).

کریلوف و میکائیلیان^۱ (۲۰۲۴) در مقاله «اسرائیل در چهارچوب «دوقطبی جدید»» معتقدند که با شروع عملیات نظامی ویژه، اکنون لفاظی رسمی در اسرائیل با آنچه در دوره قطع روابط روسیه و اسرائیل حاکم بود، هم‌خوانی دارد. با این وجود، در تدوین سیاست‌هایی که در آن مواضع روسیه و اسرائیل مطابقت ندارند، هر دو طرف به هماهنگی همه اقدامات در چهارچوب یک گفتگوی مشترک ادامه می‌دهند (Krylov & Mikaelian, 2024).

کرچر و دوره^۲ (۲۰۲۴) در مقاله «تمرین تعادل دوستی: روابط روسیه و اسرائیل، ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱» در مقاله خود نشان می‌دهند که چگونه دو کشور هنجارها و شیوه‌های ساختاری - از جمله جلسات منظم نخبگان، بیانیه‌های عمومی و سایر مکانیسم‌ها - را برای کاهش اختلافات ایجاد کردند. این استراتژی‌ها ضمن حفظ تعادل دوستی از رقابت و تشدید بین آن دو جلوگیری کرد (Kertcher & Course, 2024).

کرکازیس و همکاران^۳ (۲۰۲۴) در مقاله «رویارویی نظامی ایران و اسرائیل» معتقدند که در صورت رویارویی ایران و اسرائیل، اسرائیل در پاسخ‌های نظامی خود به ایران قاطعیت حساب شده‌ای از خود نشان خواهد داد. در عین حال تعقیب راهبردی اسرائیل تضعیف اقتصادی و سیاسی ایران و ایجاد تنش بین دولت ایران و فرماندهی

1. Krylov & Mikaelian

2. Kertcher & Course

3. Karkazis, Anastasiadou & Markopoulos

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هدف کاهش چشمگیر نفوذ آن در ایران است (Karkazis et al, 2024).

دلانو^۱ (۲۰۱۹) در مقاله «روسیه و اسرائیل: سوریه، چالش ساختاری جدید روابط اسرائیل و روسیه» معتقد است که روابط اسرائیل و روسیه پس از مداخله نظامی روسیه در سوریه عمیق‌تر شده است به طوری که اسرائیل از محکوم کردن روسیه به دلیل الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ و شرکت در تحریم‌های یورو آتلانتیک خودداری کرد. کرملین به طور فزاینده‌ای به عنوان یک بازیگر امنیتی برای دولت عبری عمل می‌کند. همچنین اسرائیل یکی از معدود منابع غربی فناوری برای روسیه پس از اعمال تحریم‌های مربوط به بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ است (Delanoë, 2019).

مطالعات انجام شده نشان‌دهنده اهمیت موضوع درک روابط میان بازیگران منطقه خاورمیانه برای پژوهشگران و تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی است. این پژوهش با تمرکز بر تشدید تنش اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی به پویش‌های جدید و تحولات راهبردی روسیه در این میان خواهد پرداخت و از این جهت دارای نوآوری است. از سوی دیگر دشمنی مسلم رژیم صهیونیستی با ایران و درک شناخت تغییر و تحولات روابط این کشور با دیگر کشورهای شریک و مرتبط با ایران در منطقه و محیط بین‌المللی از جمله روسیه انجام این پژوهش را ضروری ساخته است.

پژوهش حاضر از نظر نوع کیفی است. روش پژوهش تبیینی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به کتب و مقالات معتبر پژوهشی است.

۲. چهارچوب نظری

واقع‌گرایی اساساً به ماهیت قدرت توجه دارد و موازنه قوا به سنگ بنا و جوهر اصلی نظریه واقع‌گرایی تبدیل شده است (Kaufman et al, 2007, p. 2). براینکه این موضوع تأکید به دستیابی به دو هدف مهم «قدرت» و «بقا» در جریان رقابت میان بازیگران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. نظام بین‌الملل زمانی به وجود می‌آید که در آن دو یا چند دولت با یکدیگر روابط منظمی را برقرار کرده و باهم تعامل داشته باشند (Aron, 2004, p. 10). در این نظام، رفتار هر یک از اعضا به عنوان یک عامل ضروری در محاسبات رفتاری دیگر اعضا در نظر گرفته می‌شود (Bull & Watson 1984, p. 1). مهم‌ترین ویژگی محیط بین‌الملل «آنارشیک»^۲ بودن آن است و تا زمانی که این وضعیت وجود داشته باشد

1. Delanoë

2. Anarchic

امکان تهدید به خشونت همیشه وجود دارد (Mearsheimer, 2018, p. 270). بر اساس این نظریه در هر محیطی برای اینکه امنیت بازیگران تأمین شود باید موازنه قوا برقرار باشد. مثلاً در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی زمانی امنیت همه تأمین می‌شود که نیروهای نظامی و دیگر عناصر امنیتی به نحو مناسبی میان اعضا توزیع شده باشد، به نحوی که هیچ عضوی نتواند به واسطه قوی‌تر بودن و برخورداری بیشتر از منابع قدرت بر دیگران تسلط یابد. تئوری موازنه قوا یکی از بادوام‌ترین و بی‌طرفانه‌ترین مفاهیم ثابت شده در نظریه‌های روابط بین‌الملل است (Klimburg & Faesen, 2020, p. 145).

به لحاظ تطور تاریخی، نظریه موازنه قوا از قرن ۱۶ به بعد و تا به امروز به عنوان یکی از مؤثرترین نظریه‌های پذیرفته شده سیاست بین‌الملل مورد توجه است (Hass, 1953). این نظریه پس از جنگ جهانی دوم توسط «مورگنتا»^۱ تدوین و بعداً توسط محققانی همچون «اسپایکمن»^۲، «آرون»^۳، «کیسینجر»^۴، «مکیندر»^۵ و «نیبور»^۶ توسعه پیدا کرد و در نهایت توسط «والتز»^۷ بازنگری و به عنوان یک نظریه پذیرفته شده (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۲). والتز با اطمینان اعلام کرد که اگر یک نظریه پذیرفته شده در روابط بین‌الملل وجود داشته باشد «توازن قدرت» است (Walker, 1993). وضعیت آنارشیک محیط بین‌المللی دولت‌ها را به سمت اتخاذ تدابیر خودیاری سوق می‌دهد. بر این اساس هر دولتی صرفاً برای امنیت و بقای خود تلاش و پافشاری می‌کند (Hansen et al, 2008, p. 18).

واقع‌گرایان ساختاری، توازن قدرت را نتیجه طبیعی روابط بین حاکمان برابر در یک سیستم آنارشیک می‌دانند (Blachford, 2021, p. 5). در این شرایط هر دولتی در صورت مواجهه با یک قدرت بالقوه تهدیدکننده مجبور به انتخاب بین دو راهبرد «تعادل» و «دنباله‌روی» می‌شود (Waltz, 1979). در وضعیت آنارشیک، زمانی که یک دولت ضعیف‌تر احساس ناامنی داشته باشد برای متعادل کردن وضعیت محیطی، سعی می‌کند با اتحاد با یک قدرت برتر احساس امنیت بیشتری را به دست آورد و این همان وضعیتی است که توازن قدرت حاصل می‌شود. نظریه‌های تعادل به دنبال توضیح شرایطی هستند که دولت‌ها را به سمت ایجاد تعادل سوق می‌دهد. راهبردها، یعنی

1. Morgenthau
2. Spykman
3. Aaron
4. Kissinger
5. Mackinder
6. Niebuhr
7. Waltz

اینکه کدام حالت‌ها تعادل دارند و چگونه متعادل می‌شوند (Paul, 2005). راهبردهای «تعادل» و «دنباله‌روی» به دو دسته سخت و نرم تقسیم می‌شوند. در حالت تعادل سخت دولت‌ها رفتارهایی را برای ایجاد و ارتقای توانایی‌های نظامی خود اتخاذ می‌کنند و ائتلاف‌های رسمی و غیر رسمی را به صورتی که با قدرت دولت‌های تهدیدکننده هم‌خوانی داشته باشد تشکیل داده و حفظ می‌کنند (Paul et al, 2004, p. 3). در وضعیت تعادل نرم دولت‌ها بر اتحاد و تعاملات دیپلماتیک در داخل نهادهای بین‌المللی و همچنین عدم مشارکت‌های نظامی دو و چندجانبه تأکید می‌کنند که هدف آن افزایش هزینه‌های یک دولت تک‌قطبی یا تهدیدکننده برای حفظ قابلیت‌ها و توانایی‌های نسبی خود است (Pape, 2005, p. 58). دنباله‌روی سخت راهبردی است که در آن دولت‌ها رفتارهایی برای ایجاد و ارتقای قابلیت‌های نظامی خود انجام داده و ائتلاف‌های رسمی و غیررسمی و ضد ائتلاف‌ها را برای حمایت از تهدیدکننده‌ترین دولت یا قدرتمندترین کشور تشکیل و حفظ می‌کنند (Mearsheimer, 2003, p. 139). دنباله‌روی نرم راهبردی است مبتنی بر رفتارهای غیرمستقیم، تاکتیکی و محدود، که بیشتر از طریق تعاملات دیپلماتیک و عدم وجود اتحاد‌های نظامی دوجانبه یا چندجانبه برای حمایت از قدرتمندترین دولت یا دولت تهدیدکننده انجام می‌شود (Salehiyan & Mirzaei, 2021, p. 56). والتز معتقد است رفتاری که کشورها از سوی نظام به آن واداشته می‌شوند، ایجاد توازن است و نه دنباله‌روی (Waltz, 1979, pp. 6-125). بنابراین فرض اساسی این است که دولت‌ها در وضعیت آنارشیک که هیچ قدرت برتری برای رفع اختلافات وجود ندارد برای به حداکثر رساندن قدرت یا امنیت خود منطقی عمل می‌کنند (Mearsheimer, 2003). «جرویس»^۱ برای این نظریه چهار فرض اساسی را در نظر می‌گیرد که شالوده این نظریه را تشکیل می‌دهد:

۱. همه کشورها به دنبال حفظ بقای خود هستند؛
۲. آن‌ها قادر به ایجاد اتحاد بین خود بر اساس منافع کوتاه مدت هستند؛
۳. جنگ یک ابزار مشروع برای دولت‌داری است؛
۴. تعدادی از بازیگران دارای قابلیت‌های نسبتاً مساوی هستند (Jervis, 1978, pp. 186-189).

این سیستم تضمین‌کننده قدرت هر کشور توسط یک قدرت متقابل (ائتلاف) کنترل شده تا هیچ کشوری نتواند بالقوه به‌عنوان یک هژمون دیگران را تهدید کند (Klimburg & Faesen, 2020, p. 146).

به عقیده «والتز»^۱ این توازن‌ها معمولاً به‌صورت آگاهانه از سوی دولت‌هایی که قصد برقراری و حفظ تعادل دارند و یا از سوی دولت‌هایی که قصد سلطه جهانی دارند شکل می‌گیرد (Waltz, 1979, p. 119).

«مورگنتا»^۲ توازن قوا را نتیجه سیاست‌های یک دولت می‌داند (Morgenthau, 1948). این مسئله نشان می‌دهد که دولت‌ها همیشه باید نگران ظهور یک هژمون باشند و برای جلوگیری از این موضوع به دنبال ائتلاف‌سازی برای برقراری تعادل هستند. اساساً، موازنه قوا بر پایه نوعی مصالحه استوار است، چرا که این توازن نمی‌تواند همه بازیگران نظام بین‌الملل را به‌طور کامل راضی کند. همان‌طور که «کیسینجر»^۳ توضیح داد، «به‌طور متناقض، عمومیت نارضایتی شرط ثبات است، زیرا اگر یک قدرت کاملاً راضی باشد، بقیه باید کاملاً ناراضی باشند. اساس یک نظم پایدار امنیت نسبی و ناامنی نسبی اعضای آن است» (Kissinger, 2017). «والت»^۴ هم ضمن تأکید بر مفروضات نو واقع‌گرایی معتقد بود که دولت‌ها در برابر تهدیدات (که برحسب نیت‌ها و توانمندی‌ها تعریف می‌شوند) دست به موازنه قوا می‌زنند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹). موازنه قدرت زمانی بهترین نتیجه را دارد که یک کشور را از تسلط و تجویز قوانین برای بقیه بازدارد و از تلاش طرف‌های آسیب‌دیده برای سرنگونی نظم بین‌المللی جلوگیری کند. هدف آن اجتناب از بحران یا حتی جنگ نیست، هدف آن رسیدن به صلح هم نیست، بلکه هدف موازنه برقراری و تضمین میانه‌روی و ثبات است (Klimburg & Faesen, 2020, p. 146).

بر اساس مفروضات نظریه واقع‌گرایی تنش‌های منطقه خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم و به‌خصوص در ماه‌های اخیر موجب شده تا قدرت‌های منطقه‌ای از جمله روسیه، ایران و رژیم صهیونیستی به دنبال دستیابی به سطحی از موازنه‌سازی قوا باشند. مهم‌ترین دغدغه راهبردی روسیه در حال حاضر پیروزی در اوکراین و حفظ ثبات خاورمیانه است. جنگ اوکراین، بحران سوریه، حمله ۷ اکتبر حماس، تجاوزات رژیم صهیونیستی به ایران در سوریه و ترور اسماعیل هنیه و پاسخ متقابل ایران و احتمال گسترش یک جنگ فراگیر که با احتمال حضور آمریکا و غرب به منطقه همراه

1. Waltz

2. Morgenthau

3. Kissinger

4. Walt

باشد از عوامل اصلی موازنه‌سازی قدرت برای طرف‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، روسیه با اتخاذ راهبرد «صبر و انتظار» و «تعالُد» به دنبال موازنه‌سازی قدرت در منطقه و جلوگیری از شکل‌گیری یک هژمون منطقه‌ای است.

۳. راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه

به‌طور کلی، راهبرد سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه بر دکترین «یوگنی پریماکوف»^۱ که در دهه ۱۹۹۰ ارائه شد استوار بوده که بر سه پایه بنا شده است:

۱. روسیه باید برای ایجاد جهانی چند قطبی که توسط کنسرت قدرت‌های بزرگ مدیریت می‌شود تلاش کند تا بتواند قدرت یک‌جانبه ایالات متحده را متعادل کند؛

۲. روسیه باید بر اهمیت خود در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی که منجر به یکپارچگی منطقه‌ای می‌شود پافشاری کند؛

۳. روسیه باید با گسترش ناتو مخالفت کند.

اما از سال ۲۰۱۴ دکترین جدیدی به نام دکترین «گراسیموف»^۲ ارائه شد که به مفهوم جنگ ترکیبی با درآمیختن قدرت سخت و نرم اشاره دارد. بر اساس این دکترین تبلیغات، نیابت‌ها و هر اقدامی که به دور از جنگ باشد می‌تواند جایگزین قدرت سخت روسیه شود (Rumer, 2019). درواقع، می‌توان گفت که دکترین گراسیموف نسخه اجرایی دکترین پریماکوف برای رویارویی روسیه با ایالات متحده در خاورمیانه است. هدف اصلی روسیه در منطقه غرب آسیا استفاده از کشورهای منطقه به‌عنوان اهرمی برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار آمریکا و اروپا بر روسیه است (Kozhanov, 2018, p. 12-30). از سوی دیگر هدف اصلی روسیه در خاورمیانه مقابله با نفوذ آمریکا و تقویت موقعیت خود در سیاست بین‌الملل از طریق نمایش قدرت است (Blank, 2014, Korolev, 2018). خاورمیانه به دلایل راهبردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مجاورت با روسیه همیشه برای آن‌ها دارای اهمیت بوده است؛ اما مداخله نظامی روسیه در جنگ ۲۰۱۵ سوریه نقطه عطفی در راهبرد تازه روسیه در خاورمیانه بود. این موضوع چند دلیل مهم داشت که مهم‌ترین آن این بود که به دنبال تشدید درگیری‌های روسیه و غرب بر سر الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ پوتین با اعزام نیروهای نظامی خود به سوریه تلاش کرد تا مانند

1. Evgeny Primakov

2. Gerasimov doctrine

دیگر قدرت‌های جهانی توانایی به‌کارگیری نیروی نظامی خود در دور از مرزهای روسیه را به غرب نشان دهد و ثابت کند که روسیه فقط یک قدرت منطقه‌ای نیست. از سوی دیگر پوتین با نجات دولت سوریه می‌خواست نشان دهد که برخلاف غرب روسیه دوستان خود را در مواقع بحرانی فراموش نمی‌کند و به کمک آن‌ها می‌شتابد (Rakov, 2024, p. 94).

در واقع پس از جنگ اوکراین، خاورمیانه از نظر اهمیت برای مسکو پس از چین در رتبه دوم قرار گرفته است. اساساً روند سیاست بین‌المللی تعیین‌کننده و جوهر اصلی راهبرد سیاست خارجی شوروی و روسیه بوده است و این موضوع به‌عنوان یک خط قرمز تلقی می‌شود. بنابراین همانند دوران جنگ سرد، انگیزه روسیه از بازگشت به خاورمیانه پس از جنگ ۲۰۱۵ سوریه، یک انگیزه سیاسی است. پوتین قصد دارد از خاورمیانه به‌عنوان یک اهرم سیاسی در روابط با غرب و همچنین تقویت اعتبار قدرت خود در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی استفاده کند. هر چند سایر عوامل که مهم‌ترین آن‌ها عوامل تضمین‌کننده امنیت اقتصادی و ملی روسیه باشند نیز در راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه به هیچ وجه کمتر از انگیزه سیاسی نیستند.

بر این اساس سیاست خاورمیانه‌ای پوتین از نظر وسعت و نفوذ نسبت به شوروی سابق موفق‌تر بوده است. زیرا از یک‌سو روابط دوجانبه با بازیگران سیاسی متعدد در منطقه که متحدان سنتی ایالات متحده به‌حساب می‌آیند (کشورهای حاشیه خلیج فارس) برقرار کرده و از دیگر سو با برخی ساختارهای شبه دولتی و سازمان‌های سیاسی مخالف با دولت‌های محلی ارتباط دارد (Khokhlova, 2024, pp. 234-235). به لحاظ اقتصادی نیز خاورمیانه در راهبرد روسیه اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است که تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم، تأثیر بر بازار انرژی و انطباق اقتصاد روسیه با تحریم‌های غرب را در برمی‌گیرد (Rakov, 2024, p. 96).

۳-۱. روابط ایران و روسیه

روابط روسیه و ایران در مقاطع مختلف با دوری و نزدیکی‌های زیادی همراه بوده، به‌طوری که گاهی به‌واسطه نگاه‌های بدبینانه به یکدیگر از هم دور بوده‌اند و گاهی هم در مرز مشارکت راهبردی قرار داشته‌اند. سابقه پر افت‌وخیز روابط روسیه و ایران نشان‌دهنده سیاست یک بام و دو هوای روسیه است، به‌طوری که باعث شده دکتترین مشارکت و مقاومت در سیاست خارجی روسیه در برابر ایران مطرح گردد (کریمی‌پور، ۱۳۹۱). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روابط تهران و مسکو مبتنی بر دو سطح تحلیل

مجزا بوده است: اول، سطح منافع مشترک و نامتجانس و دوم، سطح اصول و برداشت‌های مشترک از نظام جهانی. در برابر نظم جهانی پس از سال ۱۹۹۱ که بر اساس هژمونی یک یا چند دولت بنا شده بود و ارزش‌های هنجاری غربی و ساختارهای سلسله‌مراتبی را به‌عنوان تنها ارزش‌های درست و جهانی برای کل جهان تحمیل می‌کند، هر دو طرف از نظم جهانی مبتنی بر چندقطبی بودن دفاع می‌کنند که روسیه و ایران می‌توانند در آن شرکت کنند. دیدگاه مشترک با روسیه در مورد نظم جهانی به ایران این امکان را می‌دهد که از حمایت کرملین در عرصه بین‌المللی در مواردی برخوردار شود (Khokhlova, 2024, p. 237).

از سوی دیگر روسیه از ایران توقع دارد که در موضوعات بین‌المللی در چهارچوب ترسیم شده از سوی این کشور قرار بگیرد. در واقع، روسیه به دنبال این است که از طریق ایران یکی از اصول سیاست خارجی خود که همان ایفای نقش و کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی است را محقق نماید (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۹۸). در بحران سوریه، همکاری ایران و روسیه در راستای جلوگیری از سقوط بشار اسد، مقابله با نفوذ غرب در منطقه و جلوگیری از رشد اسلام‌گرایی افراطی بود که با هماهنگی‌های سیاسی و عملیاتی با یکدیگر انجام گرفت (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۶: ۸۰)؛ اما این مسئله تا زمانی که اشتراکات دو طرف وجود داشته باشد دوام خواهد داشت. به عقیده کریستوفر فیلیپس وضعیت روسیه و ایران در سوریه یک وضعیت مابین دوستی و دشمنی است. بر این اساس اگرچه طرفین دارای منافع مشترک در کوتاه مدت هستند، اما در دراز مدت منافع آن‌ها در تعارض با یکدیگر قرار دارد (توکلی و محموداوغلی، ۱۴۰۲: ۱۱۸ به نقل از Financial Times, 2015). درواقع، ایران نگران است که روسیه بر سر معامله سوریه با غرب بدون در نظر گرفتن منافع راهبردی ایران به توافق برسد، به همین دلیل تحلیلگران غربی معتقدند ایران با تشکیل ارتش داوطلب مردمی سوریه برای تشکیل یک جایگزین در مقابل نظام فعلی سوریه از مدت‌ها پیش تصمیم خود را گرفته و راه خود را مشخص کرده است (Khatib, 2017). البته تجربه موفق همکاری ایران و روسیه در پرونده سوریه در جنگ اوکراین هم ادامه یافت. جنگ اوکراین همانند یک کاتالیزور باعث توسعه در روابط دو کشور شد. این روابط در موضوعات کلیدی مثل برجام، سوریه، امنیت خلیج فارس، همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و پلتفرم‌های مذاکره (سازمان همکاری شانگهای)، اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همچنین اجرای پروژه‌های فراملی مانند احیای مجدد کریدور شمال- جنوب بوده است (Kozhanov, 2024, p. 42). از سوی دیگر هرچند تحولات اخیر منطقه موجب توسعه روابط

و مبادلات نظامی ایران و روسیه شده است؛ اما روس‌ها همچنان در فروش تسلیحات مورد درخواست ایران به کندی عمل می‌کنند (Bennett & Ilyushina, 2023). روسیه علی‌رغم ایجاد توازن در مواضع خود در برابر اردوگاه‌های منطقه‌ای مختلف، به تقویت همکاری امنیتی با ایران در پرتو برنامه مشترک ضد آمریکایی ادامه خواهد داد که انتظار نمی‌رود در سال‌های آینده تغییر کند. اما توانایی روسیه برای تعمیق روابط با بازیگران منطقه‌ای به دلیل سوء اعتماد و تعصب تاریخی محدود شده است. علی‌رغم نزدیکی بی‌سابقه بین روسیه و ایران، تهران به دلیل قرن‌ها تجاوز روسیه به ایران به شدت به مسکو مشکوک است (Rakov, 2024, pp. 99-103).

۳-۲. روابط روسیه و رژیم صهیونیستی

از زمان ایجاد رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ تاکنون، روابط شوروی سابق و روسیه امروز با این رژیم فراز و فرودهای متعددی را طی کرده است. این روابط در طول یک دهه اخیر بر درک شرایط متقابل و مقتضیات منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها استوار شده است. هرچند رژیم اسرائیل به کمک‌های غرب به‌ویژه آمریکا و اروپا وابستگی شدید دارد؛ اما سعی کرده است در دهه اخیر روابط خود را مبتنی بر منافع مشترک با قدرت‌های بزرگی همچون چین، هند، برزیل و به‌خصوص روسیه، اعراب و کشورهای منطقه خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس گسترش دهد (Dentice, 2019, p. 2, Lerman, 2018). البته بزرگ‌ترین معضل رژیم اسرائیل در حوزه سیاست خارجی این است که هم‌زمان به دنبال برقراری روابط حسن هم‌جواری و سود متقابل با کشورهای تأثیرگذار در منطقه است؛ اما در عین حال همچنان خود را به‌عنوان بخشی از جهان غرب و متحد اصلی استراتژیک و نظامی ایالات متحده در خاورمیانه قرار می‌دهد (Karasova, 2019, p. 10). روابط روسیه و رژیم اسرائیل با روی کار آمدن پوتین در روسیه گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته و طرفین سعی نموده‌اند در عین داشتن نظرات متفاوت در حوزه‌های مختلف با رایزنی و دوری از تنش سطحی از تعادل را ایجاد نمایند. در مواقع بحرانی نیز آن‌ها با درک متقابل، تلاش قابل توجهی را برای کاهش اختلافات به کار بسته‌اند (Krasna, 2018, p. 6). روسیه و اسرائیل با اتکا به جنبه‌های مهم موجود در فرهنگ استراتژیک، یک سیاست واقع‌گرای مبتنی بر منافع را دنبال می‌کنند. آن‌ها در جایی که منافع مشترکی وجود دارد بدون نگرانی از ارزش‌های ایدئولوژیک عمل‌گرایی را در پیش می‌گیرند، حتی اگر تفاوت‌های هنجاری همچنان وجود داشته باشد (Averbukh & Klein, 2018, p. 1). در سال‌های اخیر و پس از جنگ اوکراین و با توجه به اهمیت یافتن

منطقه غرب آسیا در راهبرد روسیه، روابط آن‌ها همواره در یک وضعیت متعادل و نزدیک بوده که ناشی از درک رهبران آن‌ها برای چگونگی توافق با یکدیگر بوده است. گواه این امر توافقنامه «رفع منازعه بین نیروهای هوایی اسرائیل و روسیه» در سوریه پس از ورود نیروهای روسیه به سوریه در سال ۲۰۱۵ بود. روس‌ها حملات اسرائیل علیه اهداف ایرانی در سوریه را تا زمانی که اسرائیل کنترل روسیه را به چالش نکشید، نادیده گرفتند. در همان زمان، روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین آن‌ها گسترش یافت. پوتین از غیبت اسرائیل در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ برای رأی‌گیری مخالفت با به رسمیت شناختن الحاق کریمه به روسیه بسیار قدردانی کرد. در مقابل این پس‌زمینه، رسانه‌های رسمی روسیه مراقب بودند که اسرائیل را مورد انتقاد قرار ندهند، رویکردی که به‌طور قابل‌توجهی متفاوت از حمله آن به کشورهای غربی بود. اسرائیل پس از حمله روسیه به اوکراین راه میانی را انتخاب کرد. برخلاف سال ۲۰۱۴، این کشور به محکومیت عمومی روسیه پیوست و در سازمان ملل به آن رأی منفی داد؛ اما تحریمی اعمال نکرد، مسیرهای پروازی را حفظ کرد و گفت‌وگوی سیاسی با کرملین را ادامه داد؛ در این وضعیت مسکو همچنان نگران روابط خود با رژیم صهیونیستی است (Rakov, 2024, pp. 99-100).

به گفته یکی از تحلیلگران نظامی شبکه تلویزیونی اسرائیلی «خشت»^۱، «ان‌دووری»^۲، مسکو و تل‌آویو به توافقی محرمانه دست یافتند که مسکو در ازای تضمین عدم ارسال هواپیماهای جنگنده، پدافند هوایی و سامانه‌های جنگ الکترونیکی به ایران، رژیم اسرائیل هم از ارسال مدل‌های پیشرفته تجهیزات نظامی به اوکراین خودداری کند (Krylov & Mikaelian, 2024, p. 27). آن‌ها درک کردند که علی‌رغم منافع فزاینده و متفاوتشان در جنگ داخلی سوریه، باید با یکدیگر همکاری کنند و در صورت لزوم برای حفظ دوستی خود باید برخی از اهداف استراتژیک خود را قربانی کنند (Kertcher & Course, 2024, p. 81).

حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به رژیم اسرائیل هرچند موجب غافلگیری روسیه شد اما به‌زودی متوجه شد که این وضعیت جدید فرصت‌های استراتژیک بزرگی را برای آن‌ها فراهم کرده است. مهم‌ترین فرصت برای روسیه منحرف کردن توجه و منابع نظامی و مالی ایالات متحده و غرب از جنگ اوکراین بود. همچنین، زمان وقوع جنگ ۷ اکتبر با پایان ناموفق ضد حمله اوکراین هم‌زمان بود. علاوه بر این، این جنگ فرصتی

1. Ksheshet

2. N. Dvori

را برای روسیه ایجاد کرد تا تلاش کند تصویری از بازسازی قدرت جهانی خود را ارائه نماید، در حالی که ایالات متحده تلاش می‌کند روسیه را تضعیف کند (Smagin, 2023). روسیه سعی می‌کند در به رسمیت شناختن حماس و همچنین روابط خود با رژیم اسرائیل خط تعادلی را حفظ کند. روسیه درک می‌کند که توجه بیش از اندازه به حماس ممکن است روابط او را با کشورهای سلطان‌نشین خلیج فارس و مصر دچار چالش کند. روسیه طی مذاکره با حماس، آن‌ها را متقاعد کرد تا گروهان‌های اسرائیلی با تابعیت مضاعف روسیه را آزاد کند که یک نکته مثبت در افکار عمومی رژیم صهیونیستی بود (Rakov, 2024, pp. 99-102).

همچنین روسیه در چهارچوب تعامل با اسرائیل و غرب و بر اساس توافق سال ۲۰۱۸ بین روسیه و آمریکا که با حمایت اردن و اسرائیل همراه بود از گسترش نفوذ ایران در جنوب سوریه برای بازگشت دولت سوریه به جنوب جلوگیری می‌کند، اما جنگ در اوکراین تا حدی این توانایی را از مسکو گرفته و این مسئله موجب ناراحتی اسرائیل شده است (Azizi & Barnes-Dacey, 2024). در حوزه اقتصادی صادرات روسیه به رژیم اسرائیل عمدتاً شامل نفت خام، فلزات و سنگ‌های گران‌بها بوده و در مقابل محصولات کشاورزی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل و مواد شیمیایی صنعتی را از رژیم اسرائیل وارد می‌کند (Averbukh & Klein, 2018, pp. 6-8).

با توجه به کشف منابع نفتی در سواحل رژیم اسرائیل، همکاری در حوزه انرژی بین طرفین گسترش یافته است. در حوزه صنعت فضایی، محصولات روسی توجه رژیم اسرائیل را به خود جلب کرده و در سال‌های اخیر توافق‌نامه‌هایی در حوزه اکتشافات فضایی بین شرکت‌های روسی و صهیونیستی منعقد شده است (Марьясис, 2017, p. 131). روابط در حوزه‌های امنیتی و نظامی هم رو به گسترش بوده است به‌طوری که به دلیل پیشرفته بودن رژیم اسرائیل در تولید تجهیزات راداری و رادیویی، روس‌ها دست به تولید محصولات مشترک با آن‌ها زده‌اند (میرعمادی و شریعتی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۱۴). بر همین اساس در سال ۲۰۱۹ شرکت اسرائیلی جنرال روباتیک در روسیه ربات‌های نظامی را تولید کرده است (جعفری و شفت‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۹ به نقل از Sputnik News, 2019). این روابط گسترده نشان می‌دهد که رابطه با اسرائیل برای روسیه اهمیت زیادی دارد و پوتین از این روابط به‌عنوان ابزاری برای رابطه با واشینگتن استفاده می‌کند (Borshchevskaya, 2016).

۴. راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و اسرائیل

۴-۱. کوتاه مدت

ایران و رژیم صهیونیستی در موقعیت‌های متعدد درگیری و تنش قرار داشته‌اند؛ اما حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق و شهادت یکی از فرماندهان سپاه پاسداران موجب پاسخ‌گویی نظامی متقابل ایران و حمله مستقیم به سرزمین‌های اشغالی و بروز یک رویارویی مستقیم شد. این مسئله برای روسیه نگران‌کننده بود و این کشور نگران عدم ارزیابی درست از وضعیت نانوشته تعامل بین ایران و رژیم صهیونیستی در وضعیت کنترل تنش شده است. از سوی دیگر ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در تهران موجب گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی شده است. بر این اساس، با توجه به اعلام ایران مبنی بر پاسخ به ترور اسماعیل هنیه، گسترده‌تر شدن دامنه جنگ بین ایران و رژیم صهیونیستی خطرات بزرگی را برای مسکو به همراه خواهد داشت. این موضوع برای روسیه سه پیامد ناگوار را به همراه خواهد داشت: درگیر شدن سوریه در این جنگ، اختلال در روند کمک نظامی ایران برای ارسال تسلیحات مورد نیاز روسیه و پیچیده شدن روابط مسکو با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ایران (Notte, 2024).

به‌طور کلی مقامات روسیه همانند هم‌تایان چینی خود به دنبال ثبات هرچه بیشتر در خاورمیانه هستند و از هرگونه تنش که موجب از بین رفتن مزایای اقتصادی منطقه باشد اجتناب می‌کنند. هرگونه تنش در منطقه و توسعه آن می‌تواند ثبات را از بین ببرد و اقدامات تروریستی و افراط‌گرایانه گروه‌هایی مانند داعش را سبب شود. ثبات منطقه برای روسیه، مبارزه با تروریسم، حفاظت از حضور در سوریه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای ثروتمند عربی خلیج فارس و گسترش روابط تجاری میان کشورهای منطقه را در پی دارد. این مسئله باعث می‌شود تا روسیه بتواند تحریم‌های غرب بر سر جنگ اوکراین را دور بزند و در سیاست‌های انرژی با کشورهای خلیج فارس هماهنگ شود (Cafiero, 2024). بنابراین، تشدید مناقشه بر محاسبات دیپلماتیک و استراتژیک بازیگران بزرگ جهانی غیر غربی مانند روسیه و چین تأثیر می‌گذارد. این کشورها ممکن است قدرت دفاعی ایران را با تأمین جت‌های جنگنده و سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته تأمین کنند، آن‌ها همچنین ممکن است در مواضع خود بر اساس کارایی نظامی اسرائیل و نگرانی در مورد تاکتیک‌های تهاجمی ایران تجدید نظر کنند. روسیه، با حضور نظامی مستقر خود در سوریه، ممکن است مجبور

شود در موضع خود تجدید نظر کند تا از تشدید تنش که می‌تواند موقعیت آن را در خاورمیانه تهدید کند، اجتناب کند. هر دو قدرت ممکن است برای تقویت جایگاه خود یا جلوگیری از تشدید بیشتر در مانورهای دیپلماتیک شرکت کنند که می‌تواند شامل حمایت نظامی قوی‌تر یا درخواست میانجیگری بین‌المللی باشد (Mahmoudian, 2024, p. 5). همچنین، این جنگ رقابت تسلیحاتی در منطقه را تشدید خواهد کرد و به‌جز ایران دیگر کشورهای منطقه نیز به دنبال افزایش امکانات نظامی خود از منابع مختلف باشند. ایران می‌تواند قابلیت‌های موشکی و پهپادی خود در سوریه را که هم‌مرز اسرائیل است تقویت کند و در عوض اسرائیل حضور خود در آذربایجان و اقلیم کردستان عراق را برای مقابله با ایران تقویت خواهد کرد (Nasr, 2024).

۴-۲. میان مدت

عملکرد روسیه در منطقه نشان داده است که این کشور به دنبال استفاده هرچه بیشتر و تعهد و هزینه هرچه کمتر است. بر همین اساس، با ایران و رژیم صهیونیستی چهارچوبی را برای همکاری تعریف کرده‌اند که نشان دهنده مانوری برجسته در راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه است. روسیه سعی کرده است با پیروی از یک سیاست عمل‌گرایانه که در روابط اتحادی شرکت نمی‌کند این کار را انجام دهد (Bijan, 2021, p. 17). در حال حاضر اولویت اصلی روسیه، جنگ در اوکراین است و در صورت تشدید تنش‌ها در خاورمیانه این کشور نه توانایی و نه تمایلی برای کمک به یکی از طرفین درگیری خواهد داشت. در صورت بروز جنگ بین ایران و رژیم صهیونیستی روسیه با صدای بلند تجاوز آمریکا را مورد انتقاد قرار خواهد داد و حتی ممکن است حمایت‌های نظامی خود را به ایران افزایش دهد اما به هیچ عنوان علاقه ندارد که به نفع ایران با رژیم صهیونیست و ایالات متحده وارد جنگ شود. از سوی دیگر روسیه نمی‌خواهد وضعیت مناسبی که در نزدیکی روابط بین ایران، عربستان و امارات شروع شده و موجب نزدیکی و شراکت بین کشورهای منطقه شده است آسیب ببیند؛ همچنین، روسیه از طریق همکاری با اوپک پلاس و توسعه گروه بریکس ضمن گسترش نفوذ خود از شکل‌گیری یک بلوک ضد ایرانی که به نفع غرب و آمریکا است جلوگیری می‌کند (Notte, 2024). روسیه به دنبال حفظ نفوذ و پایگاه‌ها نظامی استراتژیک خود در سوریه و دریای مدیترانه – برای ایجاد تعادل بین ایالات متحده و سلطه ناتو در آنجا- بوده و هیچ علاقه‌ای به درگیری مستقیم با دشمنان سابق خود ندارد (Tahboub, 2024, p. 156). از طرف دیگر گسترش جنگ، وابستگی دفاعی و نظامی ایران به روسیه و نفوذ این کشور

را بیشتر خواهد نمود. روسیه نشان داده است که از تعهدات سیاسی، نظامی و امنیتی در مقیاس بزرگ در منطقه خودداری کرده است و پیشرفت زمان و تغییرات و تحولات منطقه در پویای منطقه‌ای روسیه اثرگذار بوده‌اند.

۴-۳. بلند مدت

یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی روسیه جلوگیری از حضور بیشتر آمریکا و دخالت آن در ترتیبات امنیتی منطقه خاورمیانه است. این کشور پس از یک دهه تلاش برای تقویت شبکه‌ها و نفوذ خود در خاورمیانه اکنون تلاش‌های خود را در معرض خطر می‌بیند، زیرا تشدید تنش بین ایران و اسرائیل می‌تواند آینده روسیه که خواستار ثبات در منطقه است را تحت تأثیر قرار دهد (Cafiero, 2024). حملات ۷ اکتبر حماس علیه رژیم صهیونیستی موجب دل‌مشغولی آمریکا شد و این مسئله باعث شد تا توجه و تدارکات واشینگتن را از اوکراین منحرف کرده و باعث شود تا تجهیزات نظامی آمریکایی که برای اوکراین ارسال می‌شدند اکنون به خاورمیانه ارسال شود. از سوی دیگر در میان تنش‌های فزاینده بین اسرائیل و حزب‌الله، واشینگتن کشتی‌ها و تفنگداران دریایی آمریکا را به منطقه اعزام کرد. بنابراین تشدید بیشتر تنش میان ایران، حماس، حزب‌الله و رژیم صهیونیستی و دیگر گروه‌های مقاومت در منطقه مستلزم تعهد و ارسال منابع و امکانات بیشتر آمریکا به منطقه شده است که مورد استقبال روسیه قرار گرفته است. از سوی دیگر به لحاظ اقتصادی نیز افزایش تنش در منطقه موجب افزایش قیمت نفت و سوخت برای مصرف‌کنندگان عادی آمریکایی خواهد شد (Notte, 2024). درحالی‌که روسیه به واسطه سیاست خارجی تهاجمی در برابر اوکراین و اروپای شرقی در انزوا و تحریم غرب قرار داشت با ورود به جنگ سوریه به دنبال نفوذ بیشتر و بازگرداندن موقعیت رقابتی و مشروعیت بین‌المللی خود در برابر ایالات متحده بود (Trenin, 2016). همچنین با حضور در سوریه از موقعیت این کشور برای به چالش کشیدن آمریکا و برتری ناتو در دریای مدیترانه استفاده کرد (Rumer & Sokolsky, 2021). از سوی دیگر حضور در سوریه به آن‌ها این امکان را داد که تا فناوری‌های مورد استفاده ایالات متحده و ناتو را مشاهده و شناسایی کنند (Cafarella & Zhou, 2019). روسیه نشان داده که برای خارج نمودن از جمع قدرتهای جهانی حتی حاضر است یک نقش منفی (حمایت از بشار اسد) را در منطقه ایفا کند (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

موازنه قوا یک راهبرد فراگیر در عرصه بین‌المللی برای تأمین امنیت و حفظ و توسعه روابط با دیگر بازیگران است. این راهبرد محصول وضعیت آنارشیک در محیط بین‌المللی است که دولت‌ها برای حفظ امنیت و منافع به سمت خودیاری حرکت می‌کنند. محصول نهایی موازنه قوا، موازنه‌سازی قدرت در برابر تهدیدات موجود در محیط‌های پر آشوب همچون خاورمیانه است. بحران‌های اخیر خاورمیانه همچون جنگ اوکراین، حمله ۱۷ اکتبر حماس، تجاوز رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه و ترور اسماعیل هنیه در تهران موجب تشدید تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی شده و کشورهای منطقه را به سمت مدیریت بحران و موازنه‌سازی قوا سوق داده است. راهبرد روسیه در خاورمیانه و در وضعیت تشدید تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی همچنان اجرای سیاست «صبر و انتظار» و «تعادل» است. روسیه با هر دو طرف در منطقه و به‌خصوص در بحران سوریه روابط مستقیمی دارد که آن‌ها را مدیریت می‌کند. روس‌ها به دلیل روابط گسترده‌ای که با ایران و رژیم صهیونیستی دارند سعی می‌کنند همچنان صبورانه و با یک نگاه تعادلی وضعیت خود را در این میان مشخص کنند. هدف اصلی راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه جلوگیری از حضور بیشتر آمریکا در منطقه و در صورت امکان اخراج آمریکا است. از سوی دیگر دل مشغولی روس‌ها در اوکراین محدودیت‌های راهبردی برای آن‌ها ایجاد کرده است که به دنبال رفع آن‌ها از طریق سیاست‌های تعادلی در منطقه هستند. آن‌ها به‌خوبی درک کرده‌اند که برای رسیدن به این هدف باید واقع‌بینانه به انتظارات خود نگاه کنند. روس‌ها ایران را همانند سدی در مقابل سیاست‌های آمریکا در منطقه حفظ خواهند کرد. ایران به آن‌ها شیوه دور زدن تحریم‌های غرب و کمک‌های نظامی ارائه نموده است. از سوی دیگر روابط روسیه با رژیم اسرائیل در یک وضعیت تعادلی قرار دارد که حوزه‌های تجاری و نظامی آن رو به گسترش است. روس‌ها می‌دانند که تشدید تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی منافع آن‌ها را به خطر می‌اندازد. بر همین اساس آن‌ها در کوتاه مدت به دنبال جلوگیری از گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم اسرائیل و حفظ ثبات و مزایای اقتصادی، در میان مدت به دنبال نفوذ بیشتر و تعهد کمتر در خاورمیانه و در بلند مدت به دنبال تضعیف حضور ایالات متحده در منطقه هستند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران همسایه روسیه بوده و روابط خصومت‌آمیزی را با رژیم صهیونیستی دارد، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور برای تأمین حداکثری منافع ملی و امنیت ملی ضروری است به موارد پیشنهادی زیر توجه داشته باشند:

- ✓ حضور مؤثر در منطقه مستلزم شناخت دقیق توانایی‌ها و پویای‌های بازیگران منطقه‌ای است. بنابراین ضروری است جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه‌ای از جمله حوادث هفتم اکتبر و جنگ روسیه و اوکراین ضمن شناخت دقیق تحولات میدانی در عرصه دیپلماسی نیز تحرک لازم مبتنی بر اصول عزت، حکمت و مصلحت را داشته باشد.
- ✓ در رابطه با روسیه ضروری است ایران خود را از تنش‌های میان این کشور با اوکراین و غرب دور نگه داشته و بی‌طرفی اتخاذ کند. این مسئله دست ایران را برای اتخاذ تصمیم‌های مستقل در برابر فرصت‌طلبی‌های این کشور باز خواهد گذاشت. همچنین ضروری است دو کشور سطح روابط خود را از روابط مقطعی مبتنی بر منافع نزدیک به روابط راهبردی مبتنی بر منافع بلند مدت تغییر دهند. جمهوری اسلامی ایران باید ضمن توجه به توسعه منابع قدرت ملی و منطقه‌ای، روسیه را به سطح همکاری‌های راهبردی مانند آنچه در جریان سوریه اتفاق افتاد هدایت کند و این مسئله مستلزم توسعه میدان‌های دیپلماسی در شرق و غرب است.
- ✓ در رابطه با رژیم صهیونیستی، سیاست اصولی و اعلامی جمهوری اسلامی ایران مراجعه به آرای عمومی ساکنان اصلی این سرزمین و حمایت از ملت مظلوم فلسطین و در عین حال پاسخ‌گویی به تجاوزات این کشور به سرزمین ایران است. بنابراین، تعلل در پاسخ به تجاوزات این رژیم موجب اشتباه محاسباتی و توسعه تجاوزات و کاهش توانمندی در دفاع از منافع مشروع خود در آینده خواهد شد.

References

- Abuelghanam, D. (2024). Russia and NATO in the Middle East: Conflictual Relations Naser Tahboub. *Jordanian Journal of Law and Political Science* Volume, 16(1).
- Aron, R. (2004). *Paix et guerre entre les nations*. Paris: Calmann-lévy.
- Averbukh, L., & Klein, M. (2018). Russia-Israel relationship transformed by Syria conflict: political interests overshadow social and economic ties. Retrieved from: <https://d-nb.info/1187191272/34>.
- Azizi, H., & Barnes-Dacey, J. (2024). BEYOND PROXIES: IRAN'S DEEPER STRATEGY IN SYRIA AND LEBANON, Retrieved from: <https://ecfr.eu/publication/beyond-proxies-irans-deeper-strategy-in-syria-and-lebanon/>
- Azizi, H., & Najafi, M. (2017). The Future of Iran-Russia Partnership in the Syrian Crisis. *Political and International Approaches*, 9(2), 67-95. [In Persian]
- Bennett, D., & Ilyushina, M. (2023). Inside the Russian effort to build 6,000 attack drones with Iran's help. *Washington Post*, August 17, 2023. Retrieved from: <https://www.washingtonpost.com/investigations/2023/08/17/russia-iran-drone-shahed-alabuga/>
- Bijan, A. (2021). Russia-Israel Relationship: In the Perspective of the Syrian Civil War. *İsrailiyat*, (7), 90-104.
- Blachford, K. (2021). The balance of power and the power struggles of the polis. *Journal of International Political Theory*, 17(3), 429-447.
- Blank, S. J. (2014). Russian strategy and policy in the Middle East. *Israel Journal of Foreign Affairs*, 8(2), 9-23.
- Borshchevskaya, A. (2016). *The Maturing of Israeli-Russian Relations*. Washington Institute.
- Bull, H., & Watson, A. (1984). *The expansion of international society*. New York: Oxford University Press.
- Burchill, S, Linklater, A, Donnelly, J, Petersen, M, Royce Smith, C, Devtak, R, & True, J. (2011). *International relations theories*. (Homeira Moshirzadeh and Ruhollah Talebi, translation). Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
- Cafarella, J., & Zhou, J. (2019). *Russia's Dead-End Diplomacy*. Institute for the Study of War, November. Retrieved from: [https://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISW%](https://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISW%20Russia's%20Dead-End%20Diplomacy.pdf)
- Cafiero, G. (2024). Russia Benefits from Continued but Calibrated Iran-Israel Hostilities, Retrieved from: <https://www.stimson.org/2024/russia-benefits-from-continued-but-calibrated-iran-israel-hostilities/>
- Chegenizadeh, G.A. (2013). China's balance of power and strategic relations with the United States. *Foreign Relations Quarterly*, 5(4), 227-263. [In Persian]

- Delanoë, I. (2019). Russia-Israel: Syria, a new structural challenge of Israeli-Russian relations. *Observatoire of Arab-Muslim World and Sahel*, April, 11. Retrieved from: https://www.frstrategie.org/sites/default/files/documents/programme_s/observatoire-du-monde-arabo-musulman-et-du-sahel/publications/en/201916.pdf
- Dentice, G. (2019). Israel's Foreign Policy: No Change in Sight. Retrieved from: <https://www.ispionline.it/en/publication/israels-foreign-policy-no-change-sight-22773>
- Golmohammadi, V., & Arm, A. (2023). Regionalization of Great Powers Intervention and Russia's Middle East policy. *Iranian Research letter of International Politics*, 11(2), -. doi: 10.22067/irlip.2022.71569.1120. [In Persian]
- Haas, E. B. (1953). The balance of power: prescription, concept, or propaganda?. *World Politics*, 5(4), 442-477.
- Hansen, B., Toft, P., & Wivel, A. (2008). *Security strategies and American world order: Lost power*. Routledge.
- Jafari, A. A., & Shafaghatnia Abad, J. (2022). Influential Factors on Russia's Decision Making toward Israel. *Central Eurasia Studies*, 15(1), 27-51. doi: 10.22059/jcep.2022.259681.449987. [In Persian]
- Jervis, R. (1978). Cooperation under the security dilemma. *World politics*, 30(2), 167-214.
- Karami, J. (2009). Iran and Russia: Eastern ally or southern threat? *Foreign Relations Quarterly*, 2(3), 171-199. [In Persian]
- Karasova, T. A. (2019). Features of Israeli-American relations during the reign of the governments of B. Netanyahu and the administrations of B. Obama and D. Trump (2009–2019). Moscow: Institut vostokovedeniya RAN publ.
- Karimipour, D. (2011). Continuity and change in the foreign policy of the Russian Federation towards the Islamic Republic of Iran (2000-2010). (Nuclear case, legal regime of the Caspian Sea, sale of military weapons), master's thesis, Imam Sadiq University (AS). [In Persian]
- Karkazis, J., Anastasiadou, E., & Markopoulos, T. (2024). IRAN-ISRAEL MILITARY CONFRONTATION. Retrieved from: https://www.academia.edu/117972226/IRAN_ISRAEL_MILITARY_CONFRONTATION
- Kaufman, S. J., Little, R., & Wohlforth, W. C. (Eds.). (2007). *The balance of power in world history*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Kertcher, C., & Course, D. (2024). *The Practice of Friendship Balancing: Russia Iael Relations, 2015 to 2021*. Middle East Policy.
- Khatib, Lina, (2017), Iran Is Building a Base of Post- War Influe Ence in Syria, June, Retrieved from: <https://syria.chathamhouse.org/research/iran-is-building- a-base-of-post-war-influence-in-syria>.
- Khokhlova, A. (2024). A Review of: Russian Foreign Policy Towards the Middle East. *New Trends, Old Traditions*, edited by Nikolay

- Kozhanov. Retrieved from https://oda.uni-obuda.hu/bitstream/handle/20.500.14044/25454/JCEEA_vol3_no1_Khokhlova.pdf?sequence=1
- Khomeini, S. R. (1378). Imam Khomeini's Book: Collection of Imam Khomeini's Works (Quds Sareh), Volume 16, Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute. [In Persian]
 - Kissinger, H. (2017). A world restored: Metternich, Castlereagh, and the problems of peace, 1812-22. Pickle Partners Publishing.
 - Klimburg, A., & Faesen, L. (2020). A balance of power in cyberspace. *Governing Cyberspace: Behavior, Power and Diplomacy*, 145-172.
 - Kofman, M., & Rojansky, M. (2018). What kind of victory for Russia in Syria. *Military Review*, 24(2), 6-23.
 - Korolev, A. (2018). Theories of non-balancing and Russia's foreign policy. *Journal of strategic studies*, 41(6), 887-912.
 - Kozhanov, N. (2018). Russian policy across the Middle East: Motivations and methods. *Chatham House-The Royal Institute of International Affairs*, pp.1-34.
 - Kozhanov, N. (2024). IRAN-SAUDI RAPPROCHEMENT THROUGH THE PRISM OF PUTIN'S WAR IN UKRAINE AND RUSSIAN INTERESTS IN THE PERSIAN GULF REGION. *RECONCILING RIVALS*, 40.
 - Krasna, J. (2018). *Moscow on the Mediterranean: Russia and Israel's Relationship*, the Foreign Policy Research Institute.
 - Krylov, A. V., & Mikaelian, A. A. (2024). Israel in the Context of the "New Bipolarity" I Vestnik RUDN. *International Relations*, 24(1), 23-39.
 - Lerman, E. (2018). Israel's Remarkable Diplomatic Achievements in 2017. Retrieved from: <https://jiss.org.il/en/lerman-israels-remarkable-diplomatic-achievements-in-2017/>
 - Mahmoudian, Arman. (2024). *Iran-Israel Conflict: A New Stage Emerges*. GNSI Publications. 4. Retrieved from: https://digitalcommons.usf.edu/gnsi_publications/4
 - Mearsheimer, J. J. (2003). *The tragedy of great power politics* (Updated edition). WW Norton & Company.
 - Mearsheimer, J. J. (2018). *The great delusion: Liberal dreams and international realities*. Yale University Press.
 - Miremadi, T., & Shariatinia, M. (2014). Military interactions of the Zionist regime with Russia, India and China. *Foreign Relations Quarterly*, 7(2), -. 101-134, 20.1001.1.20085419.1394.7.2.6.5. [In Persian]
 - Morgenthau, H. (1948). *Politics among nations: The struggle for power and peace*. New York, 51973.
 - Nasr, V. (2024). *Why Iran and Israel Stepped Back From the Brink*, Retrieved from: <https://www.foreignaffairs.com/israel/why-iran-and-israel-stepped-back-brink>

- niakoe, S., Sotoudeh, A. (2016). The Conflict Pattern of Regional and Global Actors In the Civil Wars of Iraq and Syria (2011-2015). *Strategy*, 25(3), -. [In Persian]
- Notte, H. (2024). What Russia Wants in the Middle East, Retrieved from: <https://www.foreignaffairs.com/russia/what-russia-wants-middle-east>
- Pape, R. A. (2005). Soft balancing against the United States. *International security*, 30(1), 7-45.
- Paul, T. V. (2005). Soft balancing in the age of US primacy. *International security*, 30(1), 46-71.
- Paul, T. V., Wirtz, J. J., & Fortmann, M. (2004). *Balance of power: theory and practice in the 21st century*. Stanford University Press.
- Popescu, N., Secrieru, S., Barnes-Dacey, J., Bechev, D., Borisov, T., Frolovskiy, D., ... & Trenin, D. (2018). Russia's return to the Middle East. *European Union Institute For Security Studies Chaillot Papers*. no. 146. DOI:10.2815/639920.
- Rakov, D. (2024). Russia's Policy in the Middle East and Its Approach to the Gaza War. *THE PARADOX OF POWER: Ukraine's Struggle, Russia's Dilemmas and Global Consequences*, 92.
- Rumer, E. (2019). *The Primakov (not Gerasimov) doctrine in action* (Vol. 5, No. 06). Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.
- Rumer, E., & Sokolsky, R. (2021). *Russia in the Mediterranean: Here to stay*. Washington, DC: Carnegie endowment for international peace.
- Salehiyan, T., & Mirzaei, V. (2021). Investigating the Balance of Power between Iran and the United States after the Islamic Revolution. *Contemporary Researches on Islamic Revolution*, 3(7), 53-74.
- Shafaghatnia Abad, J., & jafari, A. A. (2020). Russia's Strategy and Behavioral Pattern in the Confrontation between Iran and Zionist Regime. *Strategy*, 29(1), 5-33. [In Persian]
- Simbar, R., & Ghorbani, V. (2013). Impact Islamic Revolution of Iran on Israel and United States Relations. *Islamic Revolution research journal*, 3(7), 83-102. [In Persian]
- Smagin, N. (2023). Middle Eastern Influence Is Growing Fast in Russia. Retrieved from: <https://carnegieendowment.org/russia- Eurasia/politika/2023/11/middle-eastern-influence-is-growing-fast-in-russia?lang=en>.
- Tavakoli, A., & Mahmoud Oghli, R. (2023). Threatening Components of Strategic Cooperation between Iran and Russia. *Diplomatic Interactions*, 1(1), 101-128. doi: 10.22034/dpiq.2023.194817. [In Persian]
- Trenin, D. (2016). *Russia in the Middle East: Moscow's Objectives, Priorities, and Policy Drivers*, Carnegie Moscow Center.

- Walker, R. B. (1993). Inside/outside: international relations as political theory. Cambridge University Press.
- Waltz, N. (1979). Theory of International Politics. New York: Random House.
- Марьясис, Д. А. (2017). Перспективы развития российско-израильских торгово-экономических отношений. Международная торговля и торговая политика, (2 (10)), 125-135.

